

موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تلاش‌های امریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان (مطالعه موردی: طرح خاورمیانه بزرگ)^۱

محمد اخباری* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
عطا... عبدی - دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
حسین مختاری هشی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۳ تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۸/۴

چکیده

پس از جنگ سرد و به دنبال حمله صدام به کویت، امریکا با اتکا به توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خود ایده نظم نوین جهانی را به رهبری خود مطرح کرد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز امریکا با استفاده از فرصت به دست آمده و با این پیش‌فرض که دارای رسالت تاریخی برای برخورد با تهدیدهای جهانی است، سیاستی یک‌سونگر و قدرت‌محور در پیش گرفت. با توجه به اهمیت و بیلان نفت و گاز در انرژی جهانی و با توجه به این واقعیت که امریکا با دارا بودن ۲ درصد ذخایر نفت جهان حدود ۲۵ درصد نفت جهان را مصرف می‌کند، انگیزه لازم را برای این کشور به منظور تأمین امنیت منابع نفت و گاز و مسیرهای انتقال آنها فراهم کرد، تا علاوه بر تأمین نیازهای انرژی خود از طریق حضور و ایفای نقش مؤثر در امنیت منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن، رقابتی خود را نیز کنترل کند. اهمیت منابع نفت و گاز خاورمیانه و خزر، که حدود ۷۰ درصد ذخایر نفت و ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان را دربر می‌گیرد، موجب شده است تا امریکا برای ایجاد بسترهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هم‌سو با منافع خود در منطقه خاورمیانه با هدف تثبیت هژمونی جهانی خود، طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح سازد. این طرح به دلیل اینکه تهدیداتی را متوجه ایران می‌کند، مورد مخالفت ایران قرار گرفته است. بنابراین ایران با استفاده از وزن و جایگاه خود در خاورمیانه اجرای موفقیت‌آمیز طرح خاورمیانه بزرگ را با چالش مواجه می‌کند. مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که: با توجه به اینکه طرح خاورمیانه بزرگ در مسیر کمک به تثبیت هژمونی جهانی امریکاست، عدم هماهنگی ایران با این طرح، با توجه به وزن و جایگاه آن در خاورمیانه، چه تأثیری بر این طرح خواهد گذاشت؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم هماهنگی و مخالفت ایران با طرح مذکور، آن را با چالش‌هایی مواجه می‌کند؛ و از آن سو، ایران نیز به دلیل این مخالفت هزینه‌هایی را متحمل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: طرح خاورمیانه بزرگ، هژمونی امریکا، ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ایران.

* E-mail: Dr.m.akhbari@gmail.com

نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۲۵۶۲۱۵

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرحی پژوهشی است، با عنوان: «بررسی و تعیین جایگاه منطقه‌ای ایران در تحولات ژئواستراتژیک با توجه به شکل‌گیری خاورمیانه جدید (خاورمیانه بزرگ)».

مقدمه

روند تحولات جهانی در دوران پس از جنگ سرد و تلاش‌های دامنه‌دار آمریکا در نقاط مختلف دنیا نشان‌دهنده پیگیری راهبردی مشخص از سوی آمریکا برای جهان است. در این راهبرد که ماهیت و زوایای آن را می‌توان از سخنان و نظریات رهبران سیاسی و نظریه‌پردازان آمریکایی به خوبی فهمید، آرایش و سازماندهی امور جهان بر اساس ایده‌ها، نظریات و منافع این کشور است. پیش‌فرض رهبران سیاسی و صاحب‌نظران ایالات متحد این بود که در دوران پس از جنگ سرد این کشور از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بزرگ‌ترین قدرت جهان است؛ بنابراین برای ادامه این برتری در طول قرن ۲۱ باید تمهیداتی اندیشیده شود تا از ظهور رقبای منطقه‌ای و جهانی و به چالش کشیده شدن جایگاه آمریکا در سراسر جهان جلوگیری گردد. بدیهی است برای رسیدن به این هدف لازم بود که آمریکا برای هر یک از مناطق و کشورهای جهان راهبرد و برنامه ویژه‌ای داشته باشد، تا با هماهنگی آنها با اهداف خود، هژمونی جهانی مورد نظر خود را به همه مناطق جهان بگستراند. از جمله مناطق بسیار مهم در این راهبرد، مناطق خاورمیانه سنتی و آسیای مرکزی و قفقاز بود که آمریکا هم‌سو با این هدف خود، اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» را برای تعیین ظرف و چارچوب مناسب به منظور تسهیل کنترل این منطقه به کار گرفت. ایالات متحد در قالب این طرح با شعارهایی مانند مبارزه با تروریسم، گسترش دموکراسی، جلوگیری از نقض حقوق بشر و بهبود اوضاع اقتصادی مردم منطقه، در تلاش بود که به اهدافی مانند کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی، تأمین منافع همه‌جانبه اسرائیل و در نهایت سازگاری این منطقه با ارزش‌های آمریکایی دست یابد. در مجموع، منطقه یادشده برای اهداف جهانی آمریکا حیاتی است؛ اما آمریکا در این منطقه با مانع بزرگی به نام ایران روبه‌روست که ابزارهای مؤثری برای مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا دارد. از این‌رو پیروزی آمریکا در تحقق اهداف جهانی خود در این منطقه به مقدار زیادی بستگی به شیوه تعامل این کشور با ایران دارد. در واقع همراهی ایران با آمریکا برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا در این بخش از جهان تعیین‌کننده است. هدف مقاله حاضر، مطالعه جایگاه خاورمیانه بزرگ و اهمیت اعمال نفوذ بر منابع انرژی آن با توجه به هژمونی جهانی آمریکا، قابلیت‌های ایران در به چالش کشیدن این تلاش‌هاست. نیز در پی پاسخگویی به این پرسش است: طرح خاورمیانه بزرگ هم‌سو با کمک به تثبیت هژمونی جهانی آمریکاست، عدم هماهنگی ایران با این طرح، با توجه به وزن و جایگاه آن در خاورمیانه، چه تأثیری بر روی طرح مذکور خواهد گذاشت؟

مبانی نظری

نومحافظه کاران

جنبش محافظه کاران آمریکا از سال ۱۹۳۰ به طرز جدی ریشه گرفت. این جنبش در واقع حرکتی ناسیونالیستی بود و توجه خود را تنها به مسائل داخلی آمریکا معطوف می‌ساخت (www.canoon.org). مشارکت در دولت و قرار گرفتن در مسئولیت‌های اجرایی، چرخش جدی و انکارناپذیری را در دیدگاه‌های محافظه کاران ایجاد کرد. این وضعیت موجب شد که این گروه منشأ تغییر و تحول در سیاست‌های آمریکا تلقی گردند و پس از آن به عنوان نومحافظه کاران شناخته شوند. آنها اعلام کردند که محافظه کاران فاقد نگاه استراتژیک به نقش جهانی آمریکا هستند، زیرا راهنمای اصولی و کاربردی

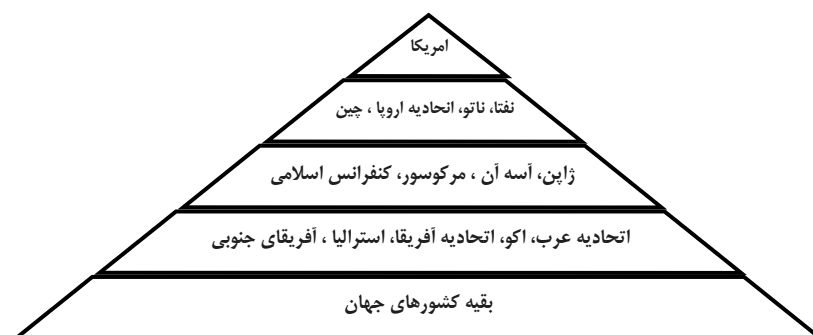
برای اهداف سیاست خارجی ندارند؛ و قصد این گروه آن است که رویه مذکور را تغییر دهند. اولویت نخست برنامه‌های نومحافظه‌کاران، برعکس محافظه‌کاران سنتی که توجه به مسائل داخلی را با ایده‌های ناسیونالیستی در نظر داشتند، توجه به سیاست خارجی است (www.libertyhaven.com). نومحافظه‌کاران از روشنفکران عموماً یهودی بودند که اقتصاد آزاد و لیبرال دموکراسی را ترویج می‌کردند و با نحله‌ای از مسیحیت هماهنگ شدند. اندیشه‌های لئو اشتراوس فیلسوف یهودی آلمانی مقیم امریکا (۱۸۹۹-۱۹۷۳) از پشتوانه‌های فکری عمده ایدئولوژی نومحافظه‌کاران امریکاست. اساس اندیشه‌های وی، اعتقاد به سه اصل بوده است: ۱- حکومت غیراخلاقی نخبگان؛ ۲- مخالفت با سکولاریسم (دین باید در بین توده‌ها تقویت شود تا همبستگی در جامعه حفظ گردد)؛ ۳- ملی‌گرایی ستیزه‌جویانه. او با رفتارهای اخلاقی نخبگان مخالف بود و جایگاهی را برای اخلاق در عرصه حاکمیت نخبگان توصیه نمی‌کرد (Hendrickson, 2001, 130). نومحافظه‌کاران افکار «لئو اشتراوس» فیلسوف سیاسی یهودی را این‌گونه تفسیر می‌کنند که بایستی به اندیشه‌های یونان باستان و تقسیم جهان به «خیر» و «شر» بازگشت؛ و اگر قرار است دموکراسی‌های غربی قوی و پایدار بمانند، باید این دموکراسی را به همه دنیا گسترش دهند (فراهانی، ۱۳۸۴، ۸۸). نومحافظه‌کاران امریکا به لحاظ اعتقادی دارای دو گرایش مسیحی و یهودی‌اند و به جناح راست مسیحی یا صهیونیست‌های انجیلی گرایش دارند. این افراد، به شدت مذهبی و حتی به تعبیری بنیادگرا هستند (آریایی‌نیا، ۱۳۸۰، ۲۵).

به اعتقاد فرانسیس فوکویاما متفکر نومحافظه‌کار، دموکراسی (امریکایی) آخرین شیوه حکومتی است که بشر می‌تواند به آن دست یابد (پایان تاریخ) و چون امریکا دارای نیروی نظامی و اقتصادی فوق‌العاده زیادی است، می‌تواند (و حق دارد) که این ایده را حتی به زور اسلحه بر جهان تحمیل کند و به عمل آورد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶، ۹۲). هانتینگتون نیز به عنوان یکی از سردمداران نومحافظه‌کار معتقد است: در این جهان تک‌قطبی، یک ابرقدرت، آن هم فارغ از قدرت‌های عمده دیگر، در کنار شمار زیادی قدرت‌های کوچک‌تر، نیرویی برتر است که می‌تواند تک و تنها یا با همکاری ضعیف کشورهای دیگر و حتی بدون پشتیبانی آنها، به گونه‌ای مؤثر، مسائل بزرگ بین‌المللی را حل و فصل کند و هیچ مجموعه‌ای از دیگر قدرت‌ها نیز نمی‌تواند مانعی در برابر آن ایجاد کند (هانتینگتون، ۱۳۸۲).

برایند سیاست خارجی نومحافظه‌کاران پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ایفای نقش مؤثر در جهان در ابعاد مختلف است، به طوری که جرج بوش طی سخنرانی‌ای در ژاپن گفت: «تاریخ فرصتی استثنایی به ما داده است تا از آزادی دفاع کنیم. ما این فرصت و لحظه را به چنگ آورده‌ایم و عمل خواهیم کرد. در همین زمینه، کاندولیزا رایس اظهار داشت: «سیاست خارجی ما به طور قطع یک سیاست خارجی مداخله‌گراست و این سیاست برخاسته از منافع ملی ماست و نه برخاسته از منافع جامعه موهوم بین‌المللی» (بوش و رایس، ۱۳۸۰). نومحافظه‌کاران امریکا پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، این فرصت را یافتند تا مقوله تروریسم را به شکلی گسترده در حوزه امنیت بین‌المللی وارد سازند. تهدید داخلی امریکا، تهدیدی بین‌المللی تلقی شد. جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی دومین مقوله‌ای بود که نومحافظه‌کاران امریکا به شکلی گسترده‌تر از پیش در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار دادند و گسترش حضور نظامی یک‌جانبه امریکا در خلیج فارس، آسیای مرکزی و افغانستان و تقویت پیوندهای امنیتی امریکا با کشورهای مختلف، به امریکا فرصت داد تا اجماع بین‌المللی را برای مقابله با تولید و گسترش این سلاح‌ها جلب کند (پاک‌آیین، ۱۳۸۶، ۴۵).

ایده‌ی نظم نوین جهانی

با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، الگوی نظام سیاسی جهان دگرگون شد و جهان در دوران گذار استراتژیک قرار گرفت. ایالات متحد به عنوان پیروز عصر جنگ سرد، دکترین بوش با عنوان «نظم نوین جهانی» را مطرح ساخت و خود را مدیر و گرداننده این نظم دانست (Hendrickson, 2001, 130). اشغال کویت از سوی صدام حسین فرصت لازم را برای طرح ایده «نظم نوین جهانی» فراهم کرد (حافظنیا، ۱۳۸۵، ۵۳-۵۲). جرج بوش پدر در سخنرانی خود در این زمینه چنین گفت: «ما امروز در حرکتی یکپارچه و فرامرزی قرار گرفته‌ایم. بحران خلیج فارس با این عظمتی که دارد، مجالی کوتاه برای حرکت به سوی دوره‌ای تاریخی از اتحاد است. خارج از این موقعیت مسئله‌ساز نظم نوین جهانی می‌تواند ظهور کند (بوش، ۱۳۸۰، ۳۰۵). در این میان سیاستمداران و صاحب‌نظران سیاسی امریکایی سعی در پدید آوردن نظام تک‌قطبی تازه‌ای داشتند که ایالات متحد در ساختار سلسله‌مراتبی آن، در رأس هرم قدرت قرار گیرد و با استفاده از نهادهایی چون شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان پارلمان جهانی مشروعیت‌دهنده بین‌المللی در مقام قانون‌گذار، هیئت داور، و مجری حکم در سطح جهانی نقش‌آفرینی کند (شکل ۱) (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ۸۶). در این دکترین، امریکایی شدن جهان و جلوگیری از به وجود آمدن ابرقدرت رقیب از اهداف اصلی سیاست خارجی امریکا شمرده شد و عملیات نظامی پیشگیرانه، که می‌تواند ضامن اجرایی این اهداف باشد، بلامانع تلقی گردید (Hendrickson, 2001, 130).



شکل ۱. ساختار هرمی نظم جهانی مورد نظر ایالات متحد امریکا

منبع: مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۵۳

نظریه ثبات هژمونیک^۱

نظریه ثبات هژمونیک را که بیشتر بر روابط اقتصادی تأکید دارد، نخستین بار در سال ۱۹۷۳ کیندلبرگر مطرح کرد. موضوع محوری نظریه ثبات هژمونیک این است که جهان به دولت مسلط منحصر به فردی برای ایجاد و اجرای مقررات تجارت آزاد میان مهم‌ترین اعضای نظام نیازمند است (قوام، ۱۳۸۴، ۱۱۷). به عبارت دیگر، قدرت هژمون با ایجاد رژیم‌های بین‌المللی و وادار کردن سایر کنشگران به تبعیت از اصول، قواعد و هنجارهای آنها، ثبات جهانی و تداوم اقتصاد

آزاد را تضمین می‌کند (عسگرخانی، ۱۳۸۳، ۲۰۱)، تا از طریق بهره‌گیری از توانایی‌های خود، سایر اعضا را برای همکاری تحت قدرت هژمونی خودش ترغیب کند (Jackson & Sorensen, 1999, 190). به منظور احراز موقعیت هژمون، کشور باید علاوه بر دارا بودن قابلیت‌ها و توانایی‌ها، تصمیم و اراده کافی نیز برای هژمون شدن داشته باشد (Keohane, 2005, 35). مختصات این توانایی‌ها عبارت‌اند از: تسلط در فناوری یا اقتصاد پیشرفته، دارا بودن اقتصاد رو به رشد و بالاخره حمایت قدرت سیاسی از طریق قدرت نظامی (قوام، ۱۳۸۴، ۱۱۷). بروملی علاوه بر قدرت سیاسی، نظامی، و اقتصادی، داشتن ایدئولوژی مشروعیت‌بخش را نیز از شرایط ایجاد و تداوم هژمونی می‌داند (Bromley, 1991, 44). امروزه با در نظر گرفتن تمایل امریکا به رهبری جهانی، نظریه ثبات هژمونیک می‌تواند رفتار بین‌المللی این کشور را تبیین کند.

تئوری سد نفوذ

پایان جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن ترومن، به رویارویی سرمایه‌داری و کمونیسم انجامید که آن را اصطلاحاً جنگ سرد می‌نامند. یکی از مهم‌ترین افرادی که در این رویکرد نقشی اساسی ایفا کرد، «جورج کنان» بود (اتوتایل، ۱۳۸۰، ۱۱۸). کنان در فوریه ۱۹۴۶ طی تلگرافی با تأکید بر لزوم گسترش مداخله‌گری‌های ایالات متحد، به دولت‌مردان امریکایی گوشزد کرد که حکومت شوروی می‌بایست چنان تحت فشار قرار گیرد، تا با توجه مفرط به سیاست خارجی از مشکلات درونی غفلت ورزد؛ و بدین ترتیب شورش و ناراضی‌های داخلی و ضربات بی‌امان ایالات متحد از خارج، شیرازه این نظام را از هم فرو بپاشد. باید اهداف کمونیسم روسی عقیم و دست‌نیافتنی جلوه داده شود و امیدواری‌ها و شور انقلابی حامیان مسکو رو به زوال باشد (کنان، ۱۳۸۰، ۱۵۴). دکترین «سد نفوذ» براساس بزرگنمایی خطر شوروی استوار شده بود و ابزار اجرایی این دکترین، شامل سه دسته ابزار سیاسی (سیا)، ابزار اقتصادی (طرح مارشال و اصل چهار) و ابزار نظامی (ناتو) بود. این تئوری مبنای حرکت رئیس‌جمهوران امریکا تا اوایل دهه ۹۰ میلادی و یکی از عوامل فروپاشی کمونیسم در طول سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ بود (اتوتایل، ۱۳۸۰، ۱۲۵-۱۲۱). باید توجه داشت که امروزه تبلیغات وسیعی که علیه مخالفان امریکا و بزرگنمایی خطر آنها، به‌ویژه ایران در حیطه‌هایی چون تلاش برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی و به خطر انداختن صلح و امنیت جهانی صورت می‌گیرد، و همچنین طرح مطالبی در خصوص هلال شیعی و ترساندن کشورهای عرب از این مسئله را می‌توان در قالب این نظریه ارزیابی کرد.

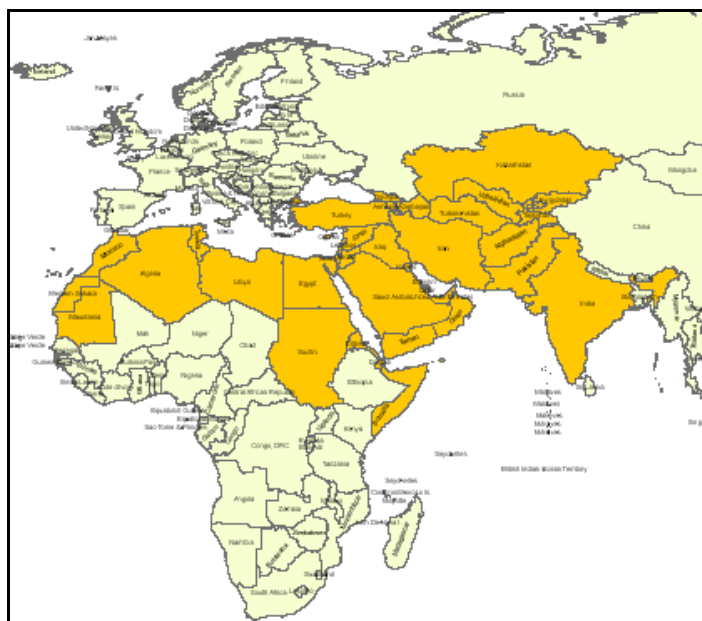
ژئواکونومی

بر خلاف دوران جنگ سرد، که در آن تقسیم ژئوپلیتیکی جهان جنبه ایدئولوژیک داشت، در گروه‌بندی‌های نوین ژئوپلیتیکی جهان پس از جنگ سرد اقتصاد مبنای قرار گرفته است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ۸۷). پایه و اساس این مطلب استدلالی است که از سوی "ادوارد لوتواک" ارائه شده است. وی معتقد است که در عصر ژئواکونومی، وسایل و علل مناقشه ماهیتی اقتصادی پیدا می‌کنند و ابزارآلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند (حافظنیا، ۱۳۸۵، ۶۱). به عبارت دیگر، باید گفت که در قرن بیست‌ویکم سرمایه‌گذاری به‌وسیله دولت‌ها همان کاری را خواهد کرد که قدرت آتش

بالای نظامی می‌کرد. در این تفکر نفوذ و رخنه در بازارها جایگزین پایگاه‌های نظامی خارج از کشور قدرت‌های بزرگ می‌شود (عزتی، ۱۳۸۰، ۱۰۷-۱۰۸). در این دیدگاه منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. اهمیت انرژی بدان حد است که قدرت‌های بزرگ و کشورهای مصرف‌کننده در زمره اهداف و امنیت ملی خود، کشورهای تولیدکننده و مسیرهای انتقال انرژی و تکنولوژی‌های مربوط به آن را نیز قرار داده‌اند. از این‌رو کشورهای مصرف‌کننده - و به‌ویژه قدرت‌ها - برای بالا بردن وزن ژئوپلیتیکی خود، علاوه بر تأمین نیازهای داخلی‌شان کنترل بر چنین مناطق و کشورهایی را برای نیل به اهداف ژئوپلیتیکی مد نظر قرار می‌دهند. می‌توان گفت که انرژی‌های فسیلی و به‌ویژه نفت و گاز از جهت اینکه در بیان انرژی جهانی نقش بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده و سیاست بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۰۳-۱۰۲). امروزه مناطق دارای انرژی فسیلی و مسیرهای انتقال آن منطبق بر مناطق استراتژیک جهان در سده بیست‌ویکم‌اند. به همین دلیل آمریکا به‌منظور به دست آوردن تضمین‌های لازم برای جریان نفت و گاز مورد نیاز خود و هم‌پیمانش تلاش‌های فراوانی را برای اعمال نفوذ بیشتر بر منابع نفت و گاز خلیج فارس - و اخیراً دریای خزر - آغاز کرده است که دارای ابعاد گوناگون نظامی، اقتصادی و سیاسی است. جدا از این، رویه دیگر کنش‌ها و واکنش‌های جاری در سیاست‌های ایالات متحد برای افزایش نفوذ بر منابع نفت و گازی است که نیازهای انرژی رقابتی جهانی و منطقه‌ای این کشور را در آسیا - پاسفیک (حاشیه اقیانوس آرام) و حتی اتحادیه اروپا تأمین می‌کند. این امر در واقع پیگیری سیاست‌های اوراسیایی این کشور برای مدیریت جهان در قرن بیست‌ویکم به شیوه‌ای است که منافع ایالات متحد به عنوان قدرت برتر جهانی تضمین می‌شود.

طرح خاورمیانه بزرگ

شکل‌گیری زمینه‌های طرح خاورمیانه بزرگ با تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ آغاز شد و با رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز استراتژی‌های تازه آمریکا در خاورمیانه و به‌ویژه عراق به بار نشست. طرح خاورمیانه به دنبال ایجاد سازگاری بین کشورهای درون منطقه‌ای نظیر سازگاری اعراب و اسرائیل از یک طرف و ایجاد سازگاری کل منطقه با سیستم بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی و جز اینها به رهبری آمریکا از طرف دیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶). آمریکا به منظور ایجاد بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هم‌سو با منافع خود در منطقه خاورمیانه، طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح ساخت. در تعریف حدود جغرافیایی خاورمیانه بزرگ می‌بایست مقوله‌هایی خاص مانند مناقشه اعراب و اسرائیل، مسائل خلیج فارس، حوضه دریای خزر و شبه‌قاره در نظر گرفته شود. همچنین مسائل جغرافیای استراتژیک مانند منابع انرژی، کمبود آب و گسترش تسلیحات از موضوعات مورد توجه در این حیطه‌اند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۳۸-۳۹). در کنار خاورمیانه سنتی مناطقی مانند آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره نیز در قالب خاورمیانه بزرگ قرار می‌گیرند. شکل ۲ محدوده جغرافیایی خاورمیانه بزرگ را نشان می‌دهد.



شکل ۲. محدوده جغرافیایی طرح خاورمیانه بزرگ

منبع: کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۳۷

اهداف طرح خاورمیانه بزرگ

تضمین جریان انرژی از منطقه به سوی بازارهای مصرف

دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی، تنوع جغرافیایی منابع انرژی و مسیرهای انتقال و وجود ثبات سیاسی در مناطق دارای منابع نفت و گاز از اهداف دائمی امریکاست (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۱۴۶). با توجه به سوابق بحران‌های گذشته در خاورمیانه، امریکا به دنبال این است که با اجرای طرح خاورمیانه بزرگ زمینه‌های ایجاد بحران‌های مشابه را که موجب اختلالاتی در عرضه نفت خاورمیانه می‌شود، از بین ببرد. همچنین تنوع‌بخشی به منابع سنتی تأمین انرژی یعنی تقویت جایگاه انرژی دریای خزر نیز مورد توجه جدی امریکاست. در نهایت اینکه کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی در راستای کنترل رقابت جهانی نیز می‌تواند در زمره اهداف مورد نظر این طرح باشد.

پیشبرد روند صلح خاورمیانه و تضمین امنیت اسرائیل

اهمیت اسرائیل در سیاست‌های امریکا به حدی است که میرشایمر و والت معتقدند که هدایت‌کننده سیاست ایالات متحد در خاورمیانه، عمدتاً تعهد به اسرائیل است و نه صرفاً منافع نفتی. اگر کمپانی‌های نفتی یا کشورهای تولیدکننده نفت هدایت‌کننده سیاست‌ها بودند، امریکا سعی می‌کرد به جای اسرائیل از فلسطین دفاع کند. علاوه بر آن، به جنگ عراق نمی‌رفت و ایران را به استفاده از نیروی نظامی تهدید نمی‌کرد (میرشایمر و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۵۲). به نظر می‌رسد با اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، اسرائیل از برندگان اصلی در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی باشد. به لحاظ سیاسی-امنیتی، الزام دولت‌های خاورمیانه در برخورد با جریان‌ات اسلام‌گرا که اساساً سرسازگاری با موجودیت اسرائیل ندارند، امنیت این رژیم را تأمین

می‌کند. طرح خاورمیانه بزرگ علاوه بر جنبه سیاسی از جنبه‌های اقتصادی نیز منافع سرشاری عاید اسرائیل خواهد کرد، بازار مشترک خاورمیانه که امریکا به دنبال ایجاد آن است اسرائیل را نیز در بر خواهد گرفت و موجب تسلط اسرائیل بر مناسبات و معادلات اقتصادی خاورمیانه خواهد شد (مطهرنیا، ۱۳۸۳، ۱۰۲).

مبارزه با اسلام سیاسی، تحت عنوان مبارزه با تروریسم

وجود جنبش‌های سیاسی اسلامی ضد اسرائیلی و ضد امریکایی در منطقه و تهدیدات ناشی از آنها برای منافع امریکا و اسرائیل، باعث شده است که مبارزه با جنبش‌های اسلامی و سرکوب آنها به یکی از اهداف طرح خاورمیانه بزرگ تبدیل شود. امروزه منافع امریکا و امنیت و حیات اسرائیل، بیش از همه با اسلام‌گرایی و گروه‌های مقاومت اسلامی تهدید می‌شود.

نومحافظه‌کاران بر این باورند که چون کشورهای غربی و غیرغربی توان از میان بردن گروه‌های ناراضی و رادیکال را به گونه کامل حتی با پیشرفته‌ترین ابزارها ندارند و جلوگیری از اقدامات تروریستی آنها نیز همیشه امکان‌پذیر نیست، پس باید ریشه تروریسم را در مناطقی که وجود دارند یا می‌توانند پدید آیند، خشکاند (ساجدی، ۱۳۸۶، ۴۱). در واقع، امریکا با اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در صدد خارج ساختن پتانسیل اسلام سیاسی از منطقه به‌عنوان تهدیدکننده منافع امریکاست (فراهانی، ۱۳۸۳، ۲).

کنترل رقبای جهانی و منطقه‌ای امریکا

با توجه به جایگاه خاورمیانه بزرگ از لحاظ تأمین نفت و گاز جهان، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ که منجر به تثبیت جایگاه امریکا و حضور بیش از پیش آن در منطقه خواهد شد، و این امر موجبات کنترل بیشتر بر منابع نفت و گاز خاورمیانه بزرگ را برای آن کشور فراهم خواهد کرد و امریکا این امکان را خواهد یافت تا با استفاده از ابزار انرژی، رقبای جهانی خود را همچون اروپا، ژاپن و چین، تحت فشار قرار دهد و بر تحرکات آنها نظارت کند و مانع آزادی عمل آنها در منطقه شود. همچنین حضور پررنگ امریکا در منطقه، رقبای منطقه‌ای - و از جمله ایران - را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و از آزادی عمل این رقبای در منطقه خاورمیانه خواهد کاست.

گسترش فرهنگ امریکایی در قالب لیبرال دموکراسی

بعد از ۱۱ سپتامبر، امریکا به این نتیجه رسید که دموکراتیزاسیون در خاورمیانه باعث جلوگیری از رشد تروریسم خواهد شد و ارزش‌های دموکراتیک فضای کمتر را برای تروریسم به وجود می‌آورد. در این میان نظریه صلح دموکراتیک بار دیگر مطرح گردید، مبنی بر اینکه دموکراسی‌ها معمولاً به ندرت با یکدیگر نمی‌جنگند و از نظام استبدادی بسیار صلح‌طلب‌ترند (لینکلتر، ۱۳۸۵، ۱۲۶). تأکید و تعصب امریکا بر نوع خاصی از دموکراسی - که از آن به «لیبرال دموکراسی» تعبیر می‌شود - نشان از وجود پشتوانه‌ای ایدئولوژیک دارد که همان رسالت جهانی برای برقراری لیبرال

دموکراسی در جهان است (فراهانی، ۱۳۸۴، ۸۸). آنها معتقدند که برقراری دموکراسی سکولار در کشورهای عربی و اسلامی منجر به حرکت آنها به سمت اقتصاد سرمایه‌داری و ادغام منطقه در اقتصاد جهانی به رهبری امریکا خواهد شد و دموکراسی سکولار حساسیت مسلمانان را در برابر اسرائیل کمتر خواهد کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوا) است. در این مقاله پس از بررسی جایگاه ژئواکونومیک خاورمیانه بزرگ و قابلیت‌های این منطقه در جهت کمک به تثبیت هژمونی جهانی امریکا، به تأثیرات طرح خاورمیانه بزرگ بر ایران پرداخته شده است و در نهایت به قابلیت‌های ایران با توجه به جایگاه و وزن آن در خاورمیانه بزرگ در به چالش کشیدن این طرح، و هزینه‌هایی که ایران به دلیل عدم هماهنگی با این طرح متحمل می‌شود، پرداخته شده است.

بحث و یافته‌ها

اهمیت خاورمیانه بزرگ

امروزه خاورمیانه بزرگ به دلیل نیاز مداوم جهانی برای دسترسی به منابع انرژی، منطقه‌ای حیاتی در جهان به شمار می‌آید و دست‌کم در ۱۵ سال آینده وابستگی به منابع انرژی خاورمیانه تأثیر عمده‌ای بر روابط اقتصادی خود منطقه و میان کشورهای منطقه و جهان خواهد گذاشت (کمپ و هارکوی، ۱۳۸۳، ۱۱-۱۴). از عوامل مختلفی که سبب اهمیت خاورمیانه می‌گردد، می‌توان از منابع منحصر به فرد انرژی و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه نام برد. از سوی دیگر، استمرار مناقشه اعراب و اسرائیل، بحران در عراق و لبنان، رقابت‌های تسلیحاتی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، افزایش شکاف‌های قومی و مذهبی، افزایش فعالیت‌های تروریستی از مهمترین عوامل تهدیدزا در این منطقه پراهمیت محسوب می‌گردند. علاوه بر انرژی، موضوع امنیت و برتری طلبی اسرائیل در منطقه نیز عامل بخشی عمده از ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها تلقی می‌شود. در این میان، انرژی مهم‌ترین وجهی است که موجب اهمیت موارد یادشده برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شود.

منابع انرژی خاورمیانه بزرگ

خاورمیانه بزرگ از نظر انرژی‌های فسیلی از دو جنبه دارای اهمیت است: یکی منابع نفت و گاز، و دیگری مسیرهای انتقال آنها. از لحاظ منابع انرژی، خلیج فارس و دریای خزر اهمیت فراوان دارند، زیرا در حدود سه‌چهارم ذخایر شناخته‌شده نفت دنیا در اختیار آنهاست (کلر، ۱۳۸۵، ۲۶۳). به‌علاوه، برای انتقال این منابع به بازارهای مصرف نیز برخی از مناطق خاورمیانه بزرگ مانند ایران اهمیت پیدا می‌کنند.

الف) منابع انرژی خلیج فارس و خاورمیانه سنتی

بر پایه آمار در پایان سال ۲۰۰۹ از مجموع ۱۳۳۳/۱ میلیارد بشکه ذخایر شناخته‌شده نفت جهان، حدود ۷۵۴/۲ میلیارد بشکه آن در خلیج فارس و خاورمیانه سنتی قرار داشته است، که این میزان ۵۶/۶ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت جهان را شامل می‌شود. میزان تولید این کشورها ۳۰/۳ درصد تولید جهانی را شامل می‌شود و بیش از ۲۵ درصد نیازهای جهانی نفت از این منطقه تأمین می‌گردد (B.P, 2009).

جدول ۱. میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه در مقطع زمانی ۱۹۹۶ و ۲۰۰۹

کشور		سال			۱۹۹۶			۲۰۰۹		
		ذخایر بشکه	تولید بشکه	مصرف بشکه	ذخایر	تولید	مصرف	ذخایر	تولید	مصرف
کشور	سال	بشکه میلیارد	بشکه در روز	بشکه در روز	بشکه میلیارد	بشکه در روز	بشکه در روز	بشکه میلیارد	بشکه در روز	بشکه در روز
ایران		۹۲/۶	۳۷۵۹	۱۲۹۲	۱۳۷/۶	۱۰/۳	۴۲۱۶	۵/۴	۱۷۴۱	۲/۲
عراق		۱۱۲/۰	۵۸۰	-	۱۱۵	۸/۶	۲۴۸۲	۳/۲	-	-
کویت		۹۶/۵	۲۱۲۹	۱۲۶	۱۰۱/۵	۷/۶	۲۴۸۱	۳/۲	۴۱۹	۰/۵
قطر		۳/۷	۵۶۸	۳۸	۲۶/۸	۲	۱۳۴۵	۱/۳	۲۰۹	۰/۲
عمان		۵/۳	۸۹۷	-	۵/۶	۰/۴	۸۱۰	۱	-	-
عربستان		۲۶۱/۴	۹۲۹۹	۱۳۳۶	۲۶۴/۳	۱۹/۸	۹۷۱۳	۱۲	۲۶۱۴	۳/۱
امارات		۹۷/۸	۲۴۳۸	۳۴۷	۹۷/۸	۷/۳	۲۵۹۹	۳/۲	۴۵۵	۰/۶
کل خلیج فارس و خاورمیانه		۶۶۹/۳	۱۹۶۶۹	۳۱۳۸	۷۵۴/۲	۵۶/۶	۲۴۳۵۷	۳۰/۳	۷۱۴۶	۸/۷
کل جهان		۱۰۴۹	۶۹۹۳۱	۱۸۹۵۹	۱۳۳۳/۱	۱۰۰	۷۹۹۴۸	۱۰۰	۸۴۰۷۷	۱۰۰

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2009

از جمله مزیت‌های انرژی منطقه خلیج فارس، هزینه پایین تولید آن است. به‌ویژه در «بزرگان چهارگانه» - یعنی ایران، عراق، کویت و عربستان - این هزینه کمتر از ۲ دلار برای هر بشکه است. هزینه پایین تولید در کشورهای عمده صادرکننده نفت به جریان آن از چاه‌های خلیج فارس بستگی دارد (میزان جریان در واقع عملکرد فشار طبیعی یا ساختگی است). میانگین میزان جریان برای «بزرگان چهارگانه»، ۴۰۰۰ بشکه در روز است که ۱۰۰ برابر میانگین چاه‌های نفت امریکا است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۲۰۷). همچنین در پایان سال ۲۰۰۹ از ۱۸۷/۴۹ تریلیون متر مکعب ذخایر شناخته‌شده گاز جهان در حدود ۷۶/۱۸ تریلیون متر مکعب آن در کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه سنتی جای گرفته است و در حدود ۴۰/۶ درصد کل ذخایر جهان را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که میزان ذخایر این منطقه طی ۱۳ سال اخیر ۳۳ درصد رشد داشته است. از نظر میزان تولید ۱۳/۶ درصد کل تولید جهانی گاز در کشورهای این حوزه صورت می‌گیرد (B.P., 2009).

جدول ۲. میزان ذخایر اثبات‌شده گاز منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

کشور	سال	۱۹۹۶			۲۰۰۹	
		ذخایر (تریلیون مترمکعب)	تولید (میلیارد مترمکعب)	مصرف (میلیارد مترمکعب)	ذخایر	
					تولید	مصرف
		درصد از کل	مترمکعب	درصد از کل	مترمکعب	درصد از کل
ایران		۲۳	۳۹	۳۸/۹	۲۹/۶	۱۵/۸
عراق		۳/۳۶	-	-	۳/۱۷	۱/۷
کویت		۱/۴۹	۹/۳	۹/۳	۱/۷۸	۱
قطر		۸/۵۰	۱۳/۷	۱۳/۷	۲۵/۳۷	۱۳/۵
عمان		۰/۶۲	۴/۴	-	۰/۹۸	۰/۵
عربستان		۵/۶۹	۴۴/۴	۴۴/۴	۷/۹۲	۴/۲
امارات		۵/۷۸	۳۳/۸	۲۷/۲	۶/۴۳	۳/۴
کل خلیج فارس و خاورمیانه		۴۸/۵۹	۱۵۲	۱۳۳/۴	۷۶/۱۸	۴۰/۶
کل جهان		۱۴۷/۸۹	۲۲۲۷/۹	۲۲۴۷/۸	۱۸۷/۴۹	۱۰۰/۰

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2009

ب) منابع انرژی منطقه خزر

حوزه ژئوپلیتیک خزر شامل کشورهای ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان است. اهمیت این حوزه با فروپاشی شوروی سابق افزایش یافت. قدرت‌های بزرگ با استقرار در این منطقه در تلاش‌اند تا منابع نفت و گاز این حوزه را به سرعت به سایر نقاط جهان انتقال دهند (فرشادگهر و میرتهامی، ۱۳۸۳، ۸۵). بر پایه برآوردهای شرکت بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۰۹ ذخایر اثبات‌شده نفت منطقه خزر شامل ۴۷/۸ میلیارد بشکه، و ذخایر گاز این منطقه ۱۲/۹۲ تریلیون مترمکعب (با محاسبه ازبکستان و بدون محاسبه فدراسیون روسیه) است (B.P., 2009). علاوه بر آن، احتمال می‌رود که در حدود ۱۶۳ میلیارد بشکه نفت دیگر در این منطقه کشف گردد. در سال ۲۰۰۵ حوزه خزر ۱/۹ میلیون بشکه در روز تولید داشت (۲ درصد تولید جهانی)، که در سال ۲۰۰۹ این میزان به بیش از ۳ میلیون بشکه رسید و بر پایه پیش‌بینی آژانس اطلاعات انرژی تا سال پایان سال ۲۰۱۰، این رقم به ۳/۱ تا ۳/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (واعظی، ۱۳۸۶، ۲۵-۲۶).

جدول ۳. حجم ذخایر، تولید و مصرف نفت کشورهای حوزه خزر

کشور	سال	۱۹۹۶			۲۰۰۹	
		ذخایر (میلیارد بشکه)	تولید (میلیون بشکه در روز)	مصرف (میلیون بشکه در روز)	ذخایر	
					تولید	مصرف
		درصد از کل	میلیون بشکه	درصد از کل	میلیون بشکه	درصد از کل
آذربایجان		NA ¹	۰/۱۸	۰/۱۲	۷	۰/۵
ازبکستان		NA	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۶	*
ترکمنستان		NA	۰/۹	۰/۰۶۵	۰/۶	*
قزاقستان		NA	۰/۴۷	۰/۲۱	۳۹/۸	۳

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2009

1. Not Available

جدول ۴. حجم ذخایر، تولید و مصرف گاز کشورهای حوزه خزر

کشور	سال	۱۹۹۶			۲۰۰۹					
		ذخایر (تریلیون متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)	ذخایر		تولید			
					درصد از کل	تریلیون متر مکعب	درصد از کل	متر مکعب میلیارد	درصد از کل	متر مکعب میلیارد
آذربایجان	NA	۵/۹	۵/۹	۵/۹	۱/۳۱	۰/۷	۱۴/۸	۰/۵	۷/۷	۰/۳
ازبکستان	NA	۴۳/۳	۴۵/۷	۴۳/۳	۱/۶۸	۰/۹	۶۴/۴	۲/۲	۴۸/۷	۱/۷
ترکمنستان	NA	۱۰/۰	۳۲/۸	۱۰/۰	۸/۱۰	۴/۳	۳۶/۴	۱/۲	۱۹/۸	۰/۷
قزاقستان	NA	۹/۰	۶/۱	۹/۰	۱/۸۲	۱	۳۲/۲	۱/۱	۱۹/۶	۰/۷

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2009

انگیزه‌های امریکا برای تسلط بر منابع انرژی خاورمیانه بزرگ

جان اس. هرینگ^۱ وزیر انرژی وقت امریکا در گزارشی به جورج بوش پدر، امنیت ملی امریکا را به میزان زیادی در گرو امنیت انرژی وارد شده به امریکا دانست. امریکا بزرگ‌ترین واردکننده نفت در دنیاست. لذا مداخله در نحوه قیمت‌گذاری و نیز میزان عرضه آن برای امنیت ملی امریکا اهمیت فراوان دارد (خضری، ۱۳۸۵، ۲۵۱). به همین دلیل است که دموکراسی‌های صنعتی به‌ویژه امریکا اجازه نمی‌دهند که دسترسی به نفت خلیج فارس از آنها سلب شود، و یا موافقت نمی‌کنند که خلیج فارس زیر نفوذ یک کشور یا گروهی از کشورهای دشمن آنها درآید (کسینجر، ۱۳۸۰، ۱۷). در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰، جیمی کارتر در نشستی مشترک با کنگره ضمن اعلام این مطلب که هر گونه تلاش یک کشور متخاصم برای ممانعت از جریان نفت خلیج فارس به غرب تهدیدی علیه «منافع حیاتی» امریکا قلمداد می‌شود، گفت چنین تهدیدی به هر وسیله که لازم باشد، اعم از نیروی نظامی دفع خواهد شد. این فرمول که هم اکنون به "دکترین کارتر" معروف شده است و برای پشتیبانی از آن نیروهای واکنش سریع شکل گرفتند، از آن زمان تا امروز سیاست ایالات متحد را در منطقه خلیج فارس هدایت کرده است (کلر، ۱۳۸۵، ۲۶۵-۲۶۶). موضوع تأمین انرژی و نفت در زیرمجموعه منافع حیاتی امریکا قرار می‌گیرد، چرا که نفت و انرژی به‌عنوان موتور محرک برای ادامه حیات اقتصاد سرمایه‌داری غرب - که امریکا خود را مظهر این اقتصاد می‌داند - ضروری است (جوادی فتح، ۱۳۸۴، ۳۴). ایالات متحد با دارا بودن ۲۸/۴ میلیارد بشکه (۲/۱ درصد) ذخایر نفت جهان با روند کنونی مصرف، تنها تا ۱۲ سال دیگر نفت خواهد داشت و ذخایر نفت آن به پایان خواهد رسید (امیر احمدیان، ۱۳۸۶، ۱۳۰). طی گزارشی در سال ۲۰۰۱ اعلام شد که با روند فعلی در ۲۰ سال آینده از هر سه بشکه نفت مصرفی در ایالات متحد، دو بشکه وارداتی خواهد بود (همان، ۲۶۹).

در زمان حاضر تأمین‌کننده ۴۰ درصد انرژی و ۹۷ درصد سوخت لازم برای ترابری در ایالات متحد، همانا نفت است (نوزانی و نجومی، ۱۳۸۵، ۳۹). امریکا در سال ۲۰۰۹ روزانه حدود ۱۸/۶ میلیون بشکه نفت مصرف کرده است که این میزان حدود ۲۱/۷ درصد مصرف جهانی را شامل می‌شود (در سال ۲۰۰۶ میزان مصرف نفت امریکا ۲۰/۶۰ میلیون بشکه

1. John S. Herring

در روز بود، که بر اثر بحران مالی سال ۲۰۰۸ این میزان در سال ۲۰۰۹ روزانه به ۱۸/۶ میلیون کاهش پیدا کرد). پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، آژانس اطلاعات انرژی (EIA) پیش‌بینی می‌کند که مصرف نفت ایالات متحد به بیش از ۲۱ میلیون بشکه در روز در پایان سال ۲۰۱۰ برسد. بدین ترتیب انتظار می‌رود که این کشور تا سال ۲۰۱۱ برای بیش از ۶۰ درصد از نیازمندی‌های خود به تولیدکنندگان خارجی متکی باشد. در سال ۱۹۹۰ بیش از ۳۰ درصد واردات نفت امریکا از کشورهای خلیج فارس - و به طور عمده از عربستان سعودی و عراق - بود (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۹۷). بر پایه برآورد آژانس اطلاعات انرژی، واردات آینده نفت امریکا از خلیج فارس در صورت وجود قیمت‌های متعادل برای نفت، از روزانه ۲/۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۰ به روزانه ۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید (نوزانی و نجومی، ۱۳۸۵، ۳۹).

در کنار نیاز امریکا برای تأمین نیازهای داخلی خود از طریق واردات نفت و گاز، عامل دیگری که امریکا را برای اعمال نفوذ بیشتر بر منابع و مسیرهای انتقال انرژی ترغیب می‌کند، کنترل رقبای جهانی از طریق در کنترل گرفتن منابع تأمین انرژی آنهاست. وزارت انرژی ایالات متحد پیش‌بینی می‌کند که تقاضای جهانی برای نفت در ۲۰ سال آینده می‌تواند از میزان کنونی (سال ۲۰۰۶) ۶۶ میلیون بشکه در روز به ۱۲۰ میلیون بشکه افزایش یابد (ریوریو، ۲۰۰۷).

جدول ۵. حجم ذخایر، تولید و روند افزایش مصرف نفت در کشورها و مناطق عمده جهان

کشور یا منطقه	سال			۲۰۰۹		۱۹۹۶			
	مصرف	تولید		ذخایر		مصرف	تولید	ذخایر	
		درصد از کل	درصد از کل	درصد از کل	میلیارد بشکه				میلیون بشکه در روز
ایالات متحد	۲۱/۷	۱۸۶۸۶	۸/۵	۷۱۹۶	۲/۱	۲۸/۴	۱۸/۳۱	۸/۳۰	۲۹/۸
چین	۱۰/۴	۸۶۲۵	۴/۹	۳۷۹۰	۱/۱	۱۴/۸	۳/۷۱	۳/۱۷	۱۶/۴
هند	۳/۸	۳۱۸۳	۰/۹	۷۵۴	۰/۴	۵/۸	۱/۷	۱/۷۸	۵/۵
امریکای شمالی	۲۶/۴	۲۲۸۲۶	۱۶/۵	۱۳۳۸۸	۵/۵	۷۳/۳	۲۱/۸۲	۱۴/۰۵	۶۰/۷
امریکای لاتین	۶/۶	۵۶۵۳	۸/۹	۶۷۶۰	۱۴/۹	۱۹۸/۹	۴/۵۴	۶/۱۶	۱۰۳/۲
اروپا اوراسیا	۲۳/۵	۱۹۳۷۹	۲۲/۴	۱۷۷۰۲	۱۰/۳	۱۳۶/۹	۱۹/۵۶	۱۴	۱۴۵/۲
خاورمیانه	۸/۷	۷۱۴۶	۳۰/۳	۲۴۳۵۷	۵۶/۶	۷۵۴/۲	۴/۳۷	۲۰/۶۶	۷۴۲/۷
آسیا پاسیفیک	۳۱/۱	۲۵۹۹۸	۱۰	۸۰۳۶	۳/۲	۴۲/۲	۱۸/۹۶	۷/۶۲	۴۰/۵
اتحادیه اروپا	۱۷/۳	۱۴۱۴۳	۲/۶	۲۰۸۲	۰/۵	۶/۳	۱۴/۰۶	۳/۳۳	۶/۹
OECD	۵۳/۴	۴۵۳۲۷	۲۲/۵	۱۸۳۹۰	۶/۸	۹۰/۸	۴۵/۶۵	۲۱/۳۶	۸۱/۹

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2009

بر پایه آمار سال ۲۰۰۹ کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در حالی که با داشتن ۹۰/۸ میلیارد بشکه (۶/۸ درصد) ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند، با تولید ۱۸/۳ میلیون بشکه تنها ۲۲/۵ درصد تولید جهان را در اختیار خواهند داشت. این آمار گویای آن است که میزان تولید این کشورها کفاف مصرف بالای آنها را که در حدود ۵۳/۴ درصد مصرف جهانی را شامل می‌شود، نمی‌کند (B.P, 2009). کشورهای بزرگ جهان مانند کشورهای G8 با

مصرف بالای حدود ۴۵/۸ درصد از کل مصرف جهانی نفت، وضعیت ویژه‌ای دارند. این وضعیت در مورد دو کشور چین و هند نیز صادق است، زیرا با جمعیت زیاد و اقتصادهای رو به رشد نیاز فزاینده‌ای حتی بیشتر از میزان مصرف کنونی به واردات نفت خواهند داشت و خلیج فارس به عنوان انبار انرژی جهان و دارا بودن مزیت‌هایی مانند فاصله کوتاه، مورد توجه این دو کشور است. در کل می‌توان گفت که مناطقی مانند قاره اروپا و آسیای جنوب شرقی و امریکای شمالی، به علت مصرف بالا و نداشتن ذخایر کافی، نیازمند واردات نفت از مناطق خیز نفت جهان از جمله خلیج فارس و دریای خزر هستند.

براساس آمار آژانس بین‌المللی اطلاعات انرژی (IEA) در سال ۲۰۰۴ گاز طبیعی ۲۳/۳ درصد مصرف جهانی انرژی را تشکیل می‌داد. حال با توجه به افزایش قیمت جهانی نفت، و مزیت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی گاز، مصرف گاز در آینده رو به رشد خواهد نهاد؛ و این به معنی وابستگی روزافزون کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به واردات گاز در آینده خواهد بود. به‌ویژه اینکه این کشورها با وجود ذخایر کم (۱۶/۱۸ تریلیون متر مکعب)، در حدود ۳۷/۹ درصد تولید جهانی را بر عهده دارند و این یعنی تخلیه سریع منابع و تشدید وابستگی به واردات گاز از دیگر نقاط جهان. این کشورها با مصرف ۴۹/۱ درصد گاز جهان، وابستگی شدیدی به واردات گاز از دیگر نقاط جهان خواهند داشت (B.P, 2009).

جدول ۶. حجم ذخایر، تولید و مصرف گاز طبیعی مصرف‌کنندگان عمده جهان

		۲۰۰۹				۱۹۹۶			سال کشور یا منطقه
مصرف		تولید		ذخایر		مصرف (میلیارد متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	ذخایر (تریلیون متر مکعب)	
درصد از کل	میلیارد متر مکعب	درصد از کل	میلیارد متر مکعب	درصد از کل	تریلیون متر مکعب				
۲۲/۲	۶۴۶/۶	۲۰/۱	۵۹۴	۳/۷	۶/۹۳	۶۴۰/۰	۵۳۳/۹	۴/۶۶	ایالات متحد
۳	۸۸/۷	۲/۸	۵۸/۲	۱/۳	۲/۴۶	۱۷/۹	۲۰/۱	۱/۱۷	چین
۱/۸	۵۱/۹	۱/۳	۳۹/۳	۰/۶	۱/۱۲	۲۰/۵	۲۰/۵	۰/۶۴	هند
۱۳/۲	۳۸۹/۷	۱۷/۶	۵۲۷/۵	۲۳/۷	۴۴/۳۸	۳۷۹/۹	۵۶۱/۱	NA	روسیه
۲۷/۸	۸۱۰/۹	۲۷/۴	۸۱۳	۴/۹	۹/۱۶	۷۵۴/۱	۷۲۵/۵	۸/۴۱	امریکای شمالی
۴/۶	۱۳۴/۷	۷/۱	۱۵۱/۶	۴/۳	۸/۰۶	۸۱/۴	۸۱/۴	۶/۰۶	امریکای لاتین
۳۵/۹	۱۰۵۸/۶	۳۲/۵	۹۷۳	۳۳/۷	۶۳/۰۹	۹۷۶/۴	۹۴۵/۴	۶۳/۵۵	اروپا اوراسیا
۱۱/۷	۳۴۵/۶	۱۳/۶	۴۰۷/۲	۴۰/۶	۷۶/۱۸	۱۵۰/۷	۱۵۸/۰	۴۹/۳۱	خاورمیانه
۱۶/۸	۴۹۶/۶	۱۴/۶	۴۳۸/۴	۸/۷	۱۶/۲۴	۲۳۸/۰	۲۲۸/۶	۱۰/۴۰	آسیا پاسیفیک
۱۵/۶	۴۵۹/۹	۵/۷	۱۷۱/۲	۱/۳	۲/۴۲	۳۷۸/۹	۲۱۹/۰	۳/۴۲	اتحادیه اروپا
۴۹/۱	۱۴۳۹/۱	۳۷/۹	۱۱۲۷/۲	۸/۶	۱۶/۱۸	۱۲۴۴/۶	۱۰۱۹/۱	۱۶/۲۹	OECD

منبع: BP Statistical Review of World Energy June 2009

با توجه به این شرایط و نیاز کشورهای مختلف جهان و به‌ویژه رقبای بالقوه و بالفعل امریکا به منابع انرژی، اهمیت کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی برای امریکا روشن می‌شود.

کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی و هژمونی

از دید نومحافظه‌کاران، کلید امنیت ملی و حاکمیت جهانی، غلبه بر تمامی دشمنان و رقیبان بالقوه است. در این زمینه ایالات متحد نه تنها باید قادر باشد که نیروهای نظامی خود را در هر زمان به هر مکانی نقل و انتقال دهد، بلکه باید منابع اصلی را که مهم‌ترین آنها نفت و به‌خصوص نفت خاورمیانه است، تحت کنترل خود درآورد. آنها معتقدند که کنترل منطقه خاورمیانه نه تنها به دلیل سهم آن در تأمین نفت امریکا، بلکه به این دلیل که به ایالات متحد این امکان را می‌دهد که بر شریان‌های انرژی جهان قفل زند و در صورت لزوم رقیبان جهانی خود را از دسترسی به انرژی محروم کند، حیاتی است. برای اروپای غربی و ژاپن و همچنین قدرت‌های صنعتی در حال توسعه شرق آسیا، خلیج فارس بسیار مهم است. هر کس نفت این منطقه را تحت کنترل خود داشته باشد، اهرم حیاتی قدرت جهانی را برای دهه‌های آینده به دست گرفته است (درفیوس، ۱۳۸۶). مایکل کلر، استاد مطالعات صلح و امنیت جهانی در دانشکده همپشایر و نویسنده کتاب «جنگ برای منابع» می‌گوید: کنترل عراق یعنی کنترل نفت به عنوان اهرم قدرت، نه به عنوان سوخت؛ و این به معنی کنترل اروپا، ژاپن و چین و در نهایت به مفهوم در دست گرفتن شریان اصلی قدرت خواهد بود (جهان صنعت، ۱۳۸۳/۹/۱۷). باتلر تحلیلگر بازار نفت در وزارت اطلاعات انرژی امریکا می‌گوید: امروزه دوسوم نفت خلیج فارس به سوی کشورهای صنعتی غرب جریان دارد. ولی بر طبق مطالعات انجام شده از سوی شورای اطلاعات ملی امریکا، تا سال ۲۰۱۵ سه‌چهارم نفت خلیج فارس به سوی آسیا خواهد رفت که قسمت اعظم آن به چین می‌رسد (درفیوس، ۱۳۸۶). با توجه به اهمیت کنترل منابع انرژی، از سال ۱۹۹۴ کمپانی‌های نفتی امریکایی با نفوذ همه‌جانبه در امور مربوط به منابع نفت و گاز دریای خزر در پروژه‌های نفتی منطقه فعال شدند و موضوع نفت در صدر مسائل سیاست خارجی امریکا در منطقه قرار گرفت (شوری، ۱۳۸۶، ۸۷)، به طوری که امروزه در میان قدرت‌های بزرگ خارج از منطقه، ایالات متحد امریکا، بیشترین نقش و تأثیر را در تحولات انرژی دریای خزر - اعم از اکتشاف، استخراج و انتقال - دارد (واعظی، ۱۳۸۶، ۳۱). امریکا در انتقال انرژی خاورمیانه نیز سعی دارد که از عبور لوله‌های انتقال انرژی از خاک رقبای جهانی و منطقه‌ای خود نظیر روسیه و ایران جلوگیری کند تا مانع از ایفای نقش بیشتر این کشورها در مسائل مربوط به انرژی شود.

این واقعیت که ایالات متحد تنها با داشتن ۲ درصد از ذخایر نفتی شناخته شده در جهان حدود ۲۵ درصد از کل محصول نفت جهان را مصرف می‌کند، و همچنین استفاده از ابزار نفت برای کنترل رقبای آینده، انگیزه مضاعفی به دولت امریکا می‌دهد که کنترل خود را بر منابع انرژی جهان اعمال کند. نفت پراهمیت‌ترین بلکه حتی یگانه عامل استراتژیک حاکم بر اهداف امریکا در خاورمیانه است (ریوریو، ۲۰۰۷). "دیوید هاروی" با اشاره به جایگاه نفت در اقتصاد جهانی - و به تبع آن هژمونی امریکا - می‌گوید: «هر کس نفت خاورمیانه را کنترل کند، نفت جهان را کنترل می‌کند؛ و هر کس نفت جهان را کنترل کند، می‌تواند اقتصاد جهانی را، دست‌کم برای آینده نزدیک کنترل کند» (Harvey, 2003, 19). به همین سبب ایالات متحد با پیش کشیدن موضوعاتی همانند خاورمیانه بزرگ، به دنبال زمینه‌چینی برای اعمال نفوذ بیشتر بر منابع انرژی خاورمیانه بزرگ است.

جایگاه ایران در خاورمیانه بزرگ

الف) جایگاه ژئواستراتژیک ایران در خاورمیانه بزرگ

اوراسیا محور جهان بری است، و قدرتی که بر اوراسیا غلبه کند، می‌تواند تأثیرات قاطعی بر دو قدرت از سه قدرت برتر تولید اقتصادی - یعنی اروپای غربی و شرق دور - بر جای نهد. نگاه مختصری به نقشه، در عین حال مشخص می‌سازد که کشوری که بر اوراسیا تسلط پیدا کند به‌طور خودکار بر خاورمیانه و افریقا تسلط پیدا خواهد کرد. در زمان حاضر اوراسیا حکم صفحه شطرنج تعیین‌کننده‌ای را دارد. برای امریکا، داشتن استراتژی منسجم و گسترده برای اوراسیا ضروری است (Bergeneski, 2005). برژینسکی راهکارهایی را برای مدیریت اوراسیا به امریکا پیشنهاد می‌کند و می‌گوید که نحوه تعامل با اتحادیه اروپا، روسیه، چین، ژاپن، هند، ایران و ترکیه و کشورهای CIS برای تأمین امنیت اوراسیا طی سه مرحله کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، بسیار مؤثر است. در ادامه، به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

- امریکا برای افزایش ثبات در جنوب قفقاز و آسیای مرکزی، نه تنها باید با دقت مراقب ترکیه باشد بلکه جست‌وجوی برقراری روابط آن با ایران نیز معقول است. مشورت منظم با آنکارا درباره آینده حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی، موجب پرورش احساس مشارکت استراتژیک ترکیه با ایالات متحد می‌شود؛

- در امریکا علاقه‌ای به تداوم خصومت بین ایالات متحد و ایران وجود ندارد. هر سازه‌ای سرانجام باید بر پایه شناسایی متقابل منافع استراتژیکی دو طرف در فضای منطقه‌ای متغیر ایران برپا شود؛

- باید به واقعیت‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی برخی از کشورها به کفایت توجه کرد. از جمله کشورهای تعیین‌کننده در اوراسیا، ایران است که از همان اوایل سده بیستم و با مطرح شدن ایده‌های ژئواستراتژیکی اهمیت فوق‌العاده‌ای در سازوکارهای برخاسته از دل چنین ایده‌های پیدا کرده است. امروزه می‌توان گفت که بسیاری از تحولات ایران معاصر به نحوی متأثر از این واقعیت‌های جغرافیایی ایران و اوراسیا بوده است (Ibid). با توجه به اینکه موقعیت ژئواستراتژیکی ایران ریشه در جغرافیای آن دارد و موقعیت جغرافیایی نیز پدیده‌ای ثابت است، بنابراین اهمیت موقعیت ژئواستراتژیکی آن به‌مانند دهه‌های گذشته ادامه خواهد یافت (عزتی، ۱۳۸۲، ۱۱).

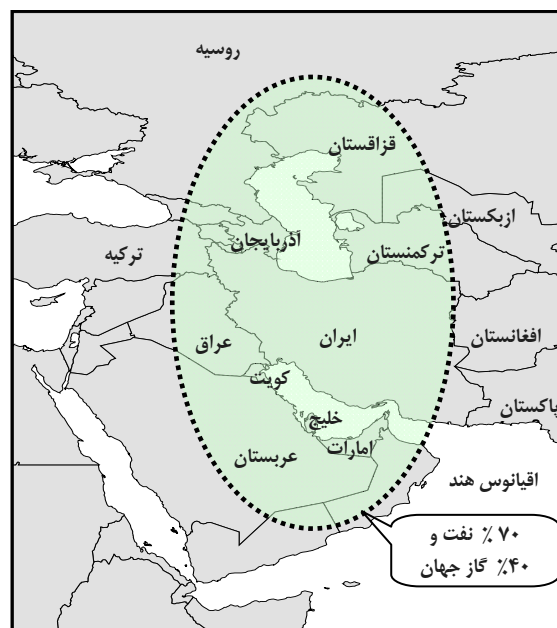
ایران از نظر جغرافیایی در بخشی از اوراسیا قرار گرفته است که صحنه رقابت دائمی قدرت بری و بحری است و موقعیت ویژه تنگه هرمز نیز بر اهمیت آن می‌افزاید. در کنار اینها ایران دارای برخی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی است که می‌توانند به عنوان فاکتورهای مؤثری در تعیین سرنوشت کشمکش میان نیروها در منطقه خاورمیانه بزرگ عمل کنند و جایگاه ویژه‌ای را در معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه به ایران بدهند. برژینسکی نیز در توصیه‌های خود به این واقعیت‌ها اشاره کرده است.

ب) جایگاه ایران در خاورمیانه بزرگ از لحاظ منابع انرژی

با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند، به‌طوری‌که از نظر کارکرد در واقع همچون قلب جهان است. خلیج فارس ۶۱ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز جهان را در خود دارد. چنانچه ذخایر رو به

رشد دریای خزر (به‌استثنای روسیه) نیز به این منابع اضافه شوند، آن‌گاه بیش از ۷۰ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز جهان در این منطقه خواهد بود. به این ترتیب بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر شکل می‌گیرد که یکی از واقعیت‌های ژئواستراتژیک عصر ماست (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۸۷). ایران از نظر ذخایر، با دارا بودن ۱۳۷/۵ میلیارد بشکه و ۱۱/۴ درصد ذخایر نفتی جهان، در رتبه دوم جهان جای دارد. همچنین با تولید ۵/۴ درصد نفت جهان، پس از کسرمصارف داخلی حدود ۳/۴ درصد صادرات جهانی نفت را در اختیار دارد (B.P, 2007). روشن است که با روند کنونی برداشت و با در نظر گرفتن حجم ذخایر فعلی میزان پایداری تولید نفت در ایران بیشتر از میانگین جهانی آن خواهد بود، به طوری که تا ۹۳ سال آینده ایران قادر به برداشت از این ذخایر خواهد بود (امیراحمدیان، ۱۳۸۶، ۱۳۰).

عمر ذخایر گاز ایران با توجه به سطح فعلی تولید آن حدود ۱۷۹ سال برآورد شده است. این در حالی است که عمر ذخایر گازی دنیا به طور متوسط ۶۵ سال است (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۳، ۱۷۶). ایران با داشتن ۲۸/۱۲ تریلیون متر مکعب که ۱۵/۵ درصد ذخایر شناخته شده گاز جهان را در بر می‌گیرد، از این نظر در جایگاه دوم جهان است. ایران از نظر جغرافیایی نیز دارای موقعیت ارتباطی راهبردی برای انتقال نفت و گاز دو حوزه بزرگ انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. نگاهی به شکل ۳، موقعیت راهبردی جدی ایران را در قلب این کانون حساس جهانی مینمایاند. روی این اصل است که صاحب‌نظران حوزه مسائل استراتژیک با اذعان به تغییر مکان هارتلند ژئواستراتژیک قرن بیستم بر این باورند که ایران تبدیل به هارتلند انرژی جهان در سده بیست‌ویکم شده است. مجتهدزاده نیز با توجه به ایده جدید جفری کمپ به همین موضوع اشاره می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۱۷۵).



شکل ۳. بیضی استراتژیک انرژی

منبع: کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۹۱

ج) حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه بزرگ

موقعیت جغرافیایی و تاریخ کهن و فرهنگ دیرپا از جمله عوامل تعیین‌کننده در میزان تأثیرگذاری کشورها در ورای مرزهای خود هستند. در واقع می‌توان گفت میزان تأثیرگذاری‌ای که کشورها در نتیجه این عوامل در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی در ورای مرزهای سیاسی خود به دست می‌آورند قلمرو ژئوپلیتیک آنها را شکل می‌دهد. قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مرتبط که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیکی و رسانه‌ای کشور - یا کنشگر - قدرتمند قرار دارد. به عبارت دیگر، کشورها و سرزمین‌ها و فضاهای پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارد، قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۵، ۱۱۴).

در زمینه قلمرو و مرزهای ژئوپلیتیکی، ذکر چند نکته ضروری است:

- هر قلمرو ژئوپلیتیکی دارای کانونی مرکزی و فضایی پیرامونی است؛
- قلمروهای ژئوپلیتیکی هر کشور می‌تواند تک‌متغیره و یا چندمتغیره محدود یا گسترده باشد؛
- قلمروهای ژئوپلیتیکی، مرزهای جغرافیای سیاسی کشورها را درمی‌نوردند، یا به عبارتی فرامرزی هستند؛
- قلمروهای ژئوپلیتیکی تحت تأثیر رقابت‌ها، کنشگران و کانون‌های تولید و انتشار ارزش‌ها، دائماً دچار تغییر می‌شوند، و پسروری یا پیشروی می‌کنند؛
- بر خلاف قلمروهای جغرافیایی، که تعریف شده هستند، قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی بی‌ثبات و دینامیک‌اند؛
- ارزش‌ها و مزیت‌های مورد نظر کنشگران در فضای جغرافیایی انتشار یافته می‌توانند قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی آنها را شکل دهند (حافظنیا، ۱۳۸۵، ۱۱۶-۱۱۴).

با توجه به مطالب اشاره‌شده، و با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی ویژه و نیز تاریخ کهن و تمدن غنی و فراگیر ایران، دامنه نفوذ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی ایران در کشورها و مناطق ژئوپلیتیک اطراف، آشکار و انکارناپذیر است. ایران کنونی در واقع بازمانده ایران تاریخی است و بخش کوچکی از فلات ایران را در بر می‌گیرد، زیرا در طول تاریخ و به‌ویژه طی دو قرن اخیر بخش زیادی از سرزمین‌ها و به دنبال آن اقوام ایرانی ساکن آن را در اثر تجاوزات و دخالت‌های سیاسی قدرت‌های استعماری انگلیس و روسیه از دست داده است (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۳۲). در کنار این ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، ایران از نظر موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک نیز دارای تأثیرگذاری فرامرزی در کشورها و مناطق پیرامون خود است. ایران از لحاظ حوزه نفوذ ژئوپلیتیک در بین کشورهای خاورمیانه بزرگ موقعیت ویژه‌ای دارد. از آنجا که اکثریت مردم ایران شیعه مذهب‌اند و در کشورهای همسایه نیز، از پاکستان گرفته تا ترکیه و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس شیعیان فراوانی زندگی می‌کنند، از این نظر نیز بر تأثیرگذاری ایران افزوده شده است. "حسنی مبارک" رئیس‌جمهور (سابق) مصر با اشاره به حوزه نفوذ ایران در بین شیعیان منطقه می‌گوید: «شیعیان اکثر کشورها عمدتاً به ایران وفادارترند تا به کشورهای خودشان» (نصر، ۱۳۸۵). در کنار مذهب تشیع، زبان فارسی نیز به‌ویژه در دو کشور تاجیکستان و افغانستان زمینه‌های نفوذ فرهنگی و به تبع آن هم‌گرایی سیاسی با این کشورها را برای ایران فراهم آورده است.

تأثیرات طرح خاورمیانه بزرگ بر ایران

الف) تأثیرات طرح خاورمیانه بزرگ بر ایران از لحاظ تلاش برای پیشبرد روند صلح خاورمیانه و

تضمین امنیت اسرائیل

سرکوب و تضعیف گروه‌های مخالف صلح، که به بهانه و تحت عنوان مبارزه با تروریسم صورت می‌گیرد، و وجود روابط نزدیک بین این گروه‌ها و ایران، دربردارنده تأثیر منفی بر میزان نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه‌اند. امریکا و اسرائیل با دستاویز قرار دادن رابطه ایران با گروه‌های فلسطینی، به منافع ایران ضربه می‌زنند و علاوه بر فشارهای مستقیم که بر اساس آن امریکا خود محدودیت‌هایی را برای ایران ایجاد می‌کند، متحدانش را نیز برای همراهی با آن کشور برای تحریم و ایجاد محدودیت‌های مختلف و در نهایت انزوای ایران زیر فشار قرار می‌دهد (ایمان‌پور، ۱۳۸۱، ۹۲). طرح خاورمیانه بزرگ هم‌سو با گسترش سلطه اسرائیل بر منطقه خاورمیانه است و فرایند صلح عامل مهمی در مسیر کنترل اسرائیل بر اقتصاد خاورمیانه از طریق شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری خاورمیانه به‌شمار می‌آید. در صورت تحقق این امر، کشورهای منطقه با اسرائیل روابط و مناسبات اقتصادی عادی برقرار خواهند کرد که این موضوع، ایران را با چالش چگونگی انطباق و هماهنگی با خاورمیانه جدید اقتصادی مواجه می‌کند. به هر حال در صورت سازگاری کامل با ساختار و نظام اقتصادی جدید، معضل استیلا و برتری اقتصادی اسرائیل وجود دارد؛ و از طرف دیگر عدم انطباق با شرایط اقتصادی جدید محدودیت‌های اقتصادی و تجاری جدی و عمده‌ای را بر کشور تحمیل خواهد کرد (دهقانی، ۱۳۸۳، ۴۹۳). تلاش اسرائیل برای ورود به آسیای مرکزی و قفقاز، آغاز اتحاد استراتژیک میان اسرائیل و ترکیه، ورود اسرائیل به خلیج فارس به بهانه اجلاس اقتصادی خاورمیانه و همچنین گسترش مناسبات اسرائیل با چین و هند، همگی هم‌سو با محاصره ایران صورت می‌گیرند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲، ۱۵۶).

ب) تأثیرات طرح خاورمیانه بزرگ بر ایران از لحاظ گسترش فرهنگ امریکایی در قالب

لیبرال‌دموکراسی در منطقه خاورمیانه بزرگ

از اهداف بنیادی طرح خاورمیانه بزرگ، استقرار نظام‌های سیاسی لیبرال‌دموکراسی در کشورهای منطقه است. لیبرال‌دموکراسی اساساً در تناقض با حکومت دینی است و از آنجا که بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی ایران - همچون ولایت فقیه، شورای نگهبان، و مجلس خبرگان - که جهان غرب به ویژه امریکا از آنها با نام نهادهای انتصابی یاد می‌کنند، از ایدئولوژی اسلامی نشأت می‌گیرند و نه از لیبرالیسم سیاسی، بنابراین اینها در قالب لیبرال‌دموکراسی نمی‌گنجد و در نتیجه دچار تناقض با آن می‌شوند.

لیبرال‌دموکراسی در منطقه خاورمیانه از دو جنبه موجب ایجاد محدودیت برای دموکراسی بومی ایران می‌شود: جنبه نخست اینکه معیارهای دموکراسی روز به روز در جهان گسترش پیدا می‌کند و منطقه خاورمیانه نیز کم و بیش در این مسیر قرار گرفته است. با توجه به اینکه اکثریت جمعیت منطقه مسلمان‌اند و بافت جوامع خاورمیانه دینی است، بنابراین الگوی دموکراسی دینی (مردم‌سالاری دینی) ایران می‌تواند به‌عنوان الگویی در کشورهای دیگر مطرح شود. البته به هر حال امریکا با اقدامات و تبلیغات گوناگونی چون صدور انقلاب اسلامی، «هلال شیعی» و نظایر اینها از مطرح شدن

این الگو در کشورهای خاورمیانه جلوگیری می‌کند و به دنبال ترویج الگوی مورد نظر خود است. دوم آنکه گسترش دموکراسی در خاورمیانه به‌عنوان یکی از اهداف طرح خاورمیانه بزرگ، این شبهه را پیش می‌آورد که حرکت‌های دموکراسی‌خواهانه در ایران ناشی از خواست امریکا است؛ و بنابراین موجب بروز برخی مقاومت‌ها در برابر حرکت‌های دموکراسی‌خواهانه در ایران می‌شود، غافل از اینکه این حرکت‌ها از عصر مشروطیت شروع شده است و هنوز هم ادامه دارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶، ۱۰۱-۱۰۲).

مبارزه با اسلام‌گرایی در قالب جنگ ایدئولوژیک صورت می‌گیرد، که به معنای مبارزه میان دو طرز فکر و روش و شیوه زندگی سیاسی است. در این نبرد، هدف تضعیف و تخریب ایدئولوژی اسلامی از طریق ناکارآمد نشان دادن آن در عرصه حیات سیاسی - اقتصادی و نظام سیاسی برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی است (دهقانی، ۱۳۸۳، ۲۹۲). با تضعیف حکومت جمهوری اسلامی و کم شدن سایه اقتدار آن، ممکن است حرکت‌های تجزیه‌طلبانه شدت گیرد، چرا که پراکنش فضایی اقوام در حاشیه‌های کشور این امر را تسهیل می‌کند و موضوعاتی چون حق تعیین سرنوشت و آزادی‌های بیشتر و توسعه‌نیافتگی فضای جغرافیایی نیز ممکن است به این امر دامن بزند. همچنین با توجه به اینکه در مکتب لیبرالیسم تقید به ارزش‌ها و اخلاقیات دینی ضعیف است، لذا همین خود موجب تضعیف باورها و شاعر دینی و مذهبی در جامعه می‌شود و بروز آن، تضعیف کارکرد مذهب را به‌عنوان یکی از عناصر هویتی ایرانیان به دنبال دارد که خود در نهایت به تضعیف هویت ملی می‌انجامد. این امر می‌تواند وحدت ملی را نیز خدشه‌دار سازد، چون یکی از عناصری که موجب حفظ وحدت ملی و انسجام اقوام گوناگون در کشور می‌شود، دین و مذهب و اعتقاد به آن است.

دموکراسی بومی و درون‌زا از نوع ایران هم‌سو با منافع ملی امریکا قرار نمی‌گیرد؛ و از طرف دیگر لیبرال‌دموکراسی برون‌زای امریکایی که در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ به منطقه تزریق می‌شود، به دلیل فقدان ساختارهای آن در منطقه موجب بی‌ثباتی می‌شود و به تبع آن نیاز به حضور امریکا را در منطقه برای برقراری امنیت به دنبال دارد، و ایران نیز به‌شدت مخالف این حضور است (مطهرنیا، ۱۳۸۳، ۱۱۳).

تجزیه و تحلیل

پس از جنگ سرد و با اشغال کویت از سوی صدام، امریکا به‌عنوان پیروز عصر جنگ سرد، با توجه به توانایی‌های خود در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی، ایده نظام نوین جهانی را مطرح ساخت و خود را رهبر و گرداننده این نظام برشمرد. نومحافظه‌کاران بر خلاف محافظه‌کاران که اعتقادشان توجه به مسائل داخلی بود، توجه به سیاست خارجی تهاجمی و مداخله‌گرایانه را در دستور کار خود قرار دادند و این مداخله‌گری یکجانبه‌گرایانه به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با حمله به افغانستان و عراق نمود بیشتری به خود گرفت، چرا که نومحافظه‌کاران معتقدند که صلح و ثبات جهانی از طریق هژمونی به‌دست می‌آید نه از طریق توازن قوا؛ و امریکا باید به رسالت تاریخی خود که برخورد با تهدیدهای جهانی است جامعه عمل ببوشاند. امروزه، با مینا قرار گرفتن تفکرات ژئواکونومیکی به جای تفکرات ایدئولوژیکی دوران جنگ سرد و اهمیت منابع و مسیرهای انتقال نفت و گاز به دلیل بیلان بالای آنها در انرژی جهانی، قدرت‌ها را به سوی کنترل منابع و مسیرهای انتقال این مواد، با هدف سیادت منطقه‌ای و جهانی سوق داده است. از این‌رو امریکا به‌منظور به‌دست آوردن

تضمین‌های لازم برای جریان نفت و گاز و همچنین کنترل این منابع به منظور اعمال فشار به رقبای خود، تلاش‌های زیادی را انجام داد. قابلیت‌ها و اهمیت فراوان خاورمیانه بزرگ از لحاظ منابع و مسیرهای انتقال انرژی، که حدود ۷۰ درصد منابع نفت و ۴۰ درصد منابع گاز جهان را در اختیار دارد، و نیاز روزافزون جهان به انرژی و این واقعیت که امریکا با داشتن ۲ درصد ذخایر جهانی نفت ۲۵ درصد نفت جهان را مصرف می‌کند، انگیزه‌های لازم را به امریکا داد تا منابع نفت و گاز خاورمیانه را تحت کنترل خود درآورد و در صورت لزوم رقبای خود را از دسترسی به آن محروم کند. بنابراین، امریکا به منظور ایجاد بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم‌سو با منافع خود در خاورمیانه و در مسیر تثبیت هژمونی جهانی خود، طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح ساخت. از آنجا که این طرح به دنبال اهدافی چون تضمین امنیت اسرائیل، مبارزه با اسلام سیاسی تحت عنوان مبارزه با تروریسم، کنترل رقبای جهانی و منطقه‌ای امریکا، گسترش فرهنگ امریکایی در قالب لیبرال‌دموکراسی و تضمین جریان انرژی از منطقه است، بنابراین تهدیداتی را هم متوجه ایران می‌کند.

وزن و جایگاه تعیین‌کننده ایران در خاورمیانه از لحاظ ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و حوزه و قلمرو نفوذ و پیوندهای گسست‌ناپذیر مذهبی، قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی ایران با جوامع منطقه خاورمیانه بزرگ که مورد اذعان و اعتراف امریکا نیز هست، به گونه‌ای است که به این کشور امکان می‌دهد تا به مخالفت‌ها و عدم هماهنگی‌های خود با طرح خاورمیانه بزرگ ادامه دهد و موفقیت این طرح را با چالش‌ها یا خدشه‌هایی مواجه سازد. به همین ترتیب، پشتیبانی ایران از گروه‌های مقاومت لبنانی و فلسطینی نه تنها مانع از سرکوب شدید این گروه‌ها در قالب طرح خاورمیانه بزرگ و تحت عنوان مبارزه با تروریسم گردیده، بلکه قدرتیابی بیشتر این گروه‌ها را نیز دامن زده است، به‌گونه‌ای که امروزه ایران قدرت نرم زیادی در خاورمیانه دارد.

از طرف دیگر، عدم هماهنگی یا مخالفت ایران با طرح خاورمیانه بزرگ، باعث شده است که امریکا از طرق مختلف به تضعیف موقعیت و نفوذ ایران در خاورمیانه اقدام کند؛ که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: تلاش برای احیای روند صلح اعراب و اسرائیل و طرح خطر هلال شیعی و قلمداد کردن ایران به عنوان دشمن مشترک اعراب و اسرائیل، با هدف جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در بین اعراب، مخالفت با دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای و تلاش برای نشان دادن ایران به عنوان مخل صلح و امنیت جهانی و ایجاد تقابل بین ایران و جامعه جهانی به‌منظور جلوگیری از افزایش قدرت و اعتبار ایران، تصویب بودجه ۷۵ میلیون دلاری با هدف تغییر رژیم در ایران، تلاش برای جلوگیری از عبور لوله‌های نفت و گاز دریای خزر از طریق ایران به دلیل کاستن از نفوذ و قدرت ایران، تلاش برای واداشتن شورای امنیت به صدور قطعنامه بر ضد ایران و اعمال تحریم‌های گوناگون بر ضد ایران به منظور وادار ساختن ایران به انعطاف در برابر سیاست‌های امریکا و کشورهای مانند آن. با توجه به مطالب پیش‌گفته، طرح خاورمیانه بزرگ هم‌سو با کمک به امریکا در جهت تثبیت هژمونی خود در جهان از طریق ایجاد بسترهای لازم برای کنترل خاورمیانه بزرگ به‌عنوان منبع انرژی جهان و در دست گرفتن شریان حیاتی اقتصاد جهانی است، تا ضمن تأمین نیازهای روزافزون انرژی خود، در صورت لزوم به‌عنوان اهرمی در جهت کنترل رقبای خود استفاده کند. مخالفت و عدم هماهنگی ایران با این طرح، که با

تکیه بر وزن و جایگاه ایران در خاورمیانه بزرگ صورت می‌گیرد، می‌تواند چالش‌هایی را در اجرای موفقیت‌آمیز طرح خاورمیانه بزرگ - و به تبع آن، در تثبیت هژمونی جهانی امریکا - ایجاد کند. این عدم هماهنگی نیز برای ایران، با هزینه‌های زیاد سیاسی و اقتصادی همراه است.

نتیجه‌گیری

رهبران امریکا و به‌ویژه نومحافظه‌کاران، در دوران پس از جنگ سرد از روش‌ها و راهکارهای مختلفی برای تثبیت برتری جهانی این کشور استفاده کردند. آنان برای دستیابی به این هدف خود در مناطق مختلف جهان و به‌ویژه خشکی بزرگ اوراسیا، راهبردهای گوناگونی را به کار گرفتند. خشکی بزرگ اوراسیا در طول قرن بیستم و مشخصاً پس از جنگ جهانی دوم، برای امریکا به دلیل خاستگاه قدرت ژئواستراتژیکی این کشور که قدرتی بحری است، چالش برانگیز بوده است. در واقع پس از جنگ جهانی دوم، هژمونی جهانی امریکا از سوی این خشکی بزرگ به چالش کشیده شد. در قرن بیست‌ویکم نیز رقبای جهانی و منطقه‌ای امریکا عمدتاً در این منطقه استقرار یافته‌اند. روی این اصل امریکا با توجه به تنوع جغرافیایی این خشکی، راهبردهایی متفاوت را برای کنترل و مدیریت این منطقه به کار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین راهبردهای این کشور، ابداع و به‌کارگیری اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» است. محدوده‌ای که در چارچوب این طرح قرار می‌گیرد از جنبه‌های مختلف برای امریکا اهمیت دارد، که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: منابع سرشار نفت و گاز، موقعیت منحصر به فرد ژئواستراتژیک، مسئله اعراب و اسرائیل، رشد اسلام‌گرایی، تروریسم و برخی موارد دیگر. اگر امریکا بتواند موارد یادشده را مطابق اهداف خود و در قالب طرح خاورمیانه بزرگ هدایت کند، گام بزرگی در مسیر تثبیت هژمونی جهانی خود برداشته است. در این میان مشکلی که امریکا با آن روبه‌روست، ایران است. ایران به‌عنوان مهم‌ترین چالشگر امریکا در خاورمیانه بزرگ، جایگاه و وزن ژئوپلیتیکی جدی و تعیین‌کننده‌ای دارد. وجود منابع عظیم نفت و گاز در ایران و تسلط آن بر مسیرهای انتقال انرژی سایر تولیدکنندگان منطقه، جایگاه مناسب ژئواستراتژیک در اوراسیا، حوزه نفوذ ژئوپلیتیک در کل منطقه در قالب مذهب شیعه، زبان فارسی، فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی - و از همه مهم‌تر - شکل‌گیری و رشد نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های مقاومت به‌ویژه بر ضد اسرائیل، و اشغال دو کشور عراق و افغانستان (به‌دست امریکا)، همه و همه موضوعاتی هستند که ارتباط مستقیم با جایگاه ایران در منطقه دارند. البته ناگفته نماند که طیفی از این نیروهای مخالف امریکا، در قالب نیروهای بنیادگرای وابسته به گروه «القاعده» هستند که علاوه بر امریکا، بالقوه برای ایران نیز به هر حال نوعی تهدید به‌شمار می‌آیند. در نهایت می‌توان به‌اختصار چنین گفت که ایران با توجه به قابلیت‌ها و جایگاه شاخص ژئوپلیتیکی خود، هژمونی امریکا را به چالش می‌کشد؛ و امریکا نیز با توجه به ابزارهای نیرومند خود در جایگاه بزرگ‌ترین قدرت جهان، با شیوه‌های گوناگون در خنثی‌سازی چالش‌های ایران می‌کوشد؛ و همین امر می‌تواند هزینه‌هایی را برای هر دو کشور به دنبال داشته باشد.

منابع

- Amirahmadian, B., 2007, **Baku- Ceyhan Oil Pipeline; Eurasian Energy**, Research Institute of Strategic Studies, Research Paper No.8, Tehran.
- Ariaee Nia, M., 2001, **Religious Principles of Treatment and Political Culture of Excessive Conservatives in Israel**, Regional Studies Quarterly, Tehran.
- B.P., 2007, **Statistical Review of World Energy**.
- Bergeneski, Z., 2005, **Geostrategy for Eurasia**, Available at: www.scincendirect.com.
- Bromley, S., 1991, **American Hegemony and World Oil: The Industry, the State System and the World Economy**, Pennsylvania State University Press.
- Bush, G. & Rice, Candoliza, 2001, Speech Iran TV.
- Bush, G.H., 2001, **Toward New World Order**, in The Geopolitics Thoughts in Twentieth Century, Translated to Persian by: Mohammad Reza Hafeznia and Hashem Nasiri, the Institute for Political and international Studies, Tehran.
- Dehghani, S.J., 2004, **The Great Middle East Project and Iran's National Security**, Strategic studies Quarterly No. 25, Tehran.
- Derfuse, R., 2007, **The Establishment of Global Empire in 21st Century**, at: www.bashgah.net.
- Ezzati, E., 2001, **Geopolitis**, Samt Publications, Tehran.
- Farahani, A., 2004, **The Great Middle East Project and Iran's Regional position: Opportunities and Threats in Persian Golf**, Security Quarterly, Vol. 5, Tehran.
- Farahani, A., 2005, **Iraq; First Step in the Great Middle East Corridor**, Strategy Quarterly No. 35, Tehran.
- Ghavam, A., 2005, **International Relations: Theories and Approaches**, Samt Publications, Tehran.
- Hafeznia, M.R., 2002, **Political Geography of Iran**, Samt Publications, Tehran.
- Hafeznia, M.R., 2006, **Principles of Geopolitics**, Papoli Publications, Mashhad.
- Hafeznia, M.R., 2007, **Course Leaflet for Geopolitical Regions around Iran**, Ph.D. Course, Unpublished Document.
- Hajiyousefi, A.M., 2003, **Iran and Israel: from Cooperation to Dispute**, Imam Sadegh University Publications, Tehran.
- Harvey, D., 2003, **The New Imperialism**, U.K.: Oxford University Press.
- Hendrickson T., 2001, **Foreign Policy for America in the 21 Century**, California, hoover institution Press.
- Huntington, S., 2003, **The US in Contemporary World**, At: www.bionvan.com.
- Imanpour, A., 2002, **Examining The USA and Iran Conditions for Establishment of Diplomatic Relations**, M.A. Thesis in Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran.

- Jackson, G. & Sorensen, G., 1999, **Introduction to International Relations**, Oxford: Oxford University Press.
- Jahan-e Sannat Monthly Journal, 2004.
- Javadi Fath, S., 2005, **USA's Thought in Great Middle East Project**, Rahbord Quarterly No. 35, Tehran.
- Kemp, J. and Harkavy, R., 2004, **The Strategic Geography of Middle East**, Translated by: Seyed Mehdi Hosseini Matin, Research Institute for Strategic Studies, Tehran.
- Kennan, G., 2001, **Origins of the Suit Union Leadership**, Adopted from the Geopolitics Thoughts in Twentieth Century, Translated to Persian by: Mohammad Reza Hafeznia and Hashem Nasiri, the Institute for Political and international Studies, Tehran.
- Keohane, R.O., 2005, **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy**, New Jersey: Princeton University Press.
- Khezri, M., 2006, **Expansion of the US Economic Interests Scope**, Adopted from the US security strategies in the Middle East, Research Institute for Strategic Studies, Tehran.
- Kissinger, H., 2002, **The Middle East in Prey of Change**, Translated by: Houshang Mahdavi, Political and Economical Information Monthly Journal, No. 169-170, Tehran.
- Linkliter, A., 2006, **Liberal Peace**, Translated by: Alireza Tayeb, Publications of the Institute for Political and international Studies, Tehran.
- Mearsheimer, J. et al., 2007, **Israel Lobby and the US Foreign Policy**, Translated by: Hassan Mortazavi et al. Baztab Negar Publications, Tehran.
- Ministry of Energy of Iran, 2004, **Energy Balance Sheet**.
- Mitchell, C., 2006, **Hank Confounded Oil, Terrorism and the US National Security**, Translated by: Mahmud Salimi, Adopted from the US security strategies in the Middle East, Research Institute for Strategic Studies, Tehran.
- Mojtahedzadeh, P., 2000, **The Geopolitical Ideas and their Iranian Realities**, Nay Publications, Tehran.
- Mojtahedzadeh, P., 2002, **Political Geography and Geopolitics**, Samt Publications, Tehran.
- Mojtahedzadeh, P., 2007, **Democracy and Iranian Identity**, Kavir Publications, Tehran.
- Motaharnia, M., 2004, **The Great Middle East: Attendants and Outcomes**, Defense Studies Quarterly, No. 20, Tehran.
- Nasr, V., 2006, **Possibility of New War in the Region: Shia Raises**, At: www.baztab.com. News code: 53150.
- Nozaee, B. and Nojomi, E., 2006, **OPEC and Fluctuations of Oil Prices on Persian Gulf Countries**, Political and Economical Information Monthly Journal, No. 233-234, Tehran.
- O'Tuathail, G. et al., 2001, **The Geopolitics Thoughts in Twentieth Century**, Translated to Persian by: Mohammad Reza Hafeznia and Hashem Nasiri, the Institute for Political and international Studies, Tehran.
- Pakaeen, M., 2007, **New- Conservatives and Universality Thought**, Bashghah-e Andishe publications, Tehran.
- Riorio, M., 2007, **The US Strategic Goals and Iraq**, Translated by: Morteza Moheh, At: www.bashgah.net.

Shouri, M., 2007, **Caspian's Oil and Gas and Interests Contrast**, Eurasian Energy, Research Institute of Strategic Studies, Research Paper No.8, Tehran.

Tabatabaee, Z., 2004, **The Geopolitical Analysis of Energy Transfer Routes of Caspian Sea**, M.A. thesis at Tarbiat Modares university, Tehran.

Vaezi, M., 2007, **Eurasian Energy**, Research Institute of Strategic Studies, Research Paper No.8, Tehran.

www.canoon.org.

www.libertyhaven.com.